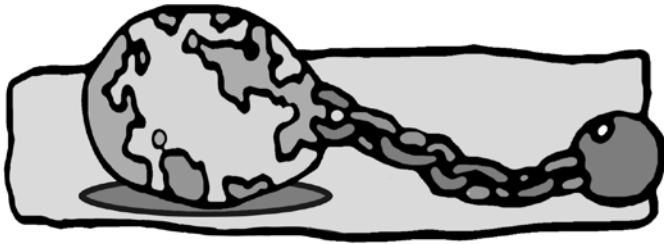


وضعیت بشر



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب ۱ آیات ۱۶ و ۱۷ و ۲۲ تا ۳۲، باب ۲ آیات ۱ تا ۱۰ و ۱۷ تا ۲۴، باب ۳ آیات ۱ و ۲، ۱۰ تا ۱۸ و ۲۳.

آیه حفظی: «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند» (رومیان باب ۳ آیه ۲۳).

پولس در ابتدای کتاب رومیان به دنبال اثبات یک حقیقت بسیار حیاتی است که در کانون انجیل قرار دارد. و آن موضوع مهم، شرایط غم‌انگیز بشری است. این حقیقت وجود دارد، زیرا از سقوط بشر به بعد، همه ما به گناه آلوده شده‌ایم. گناه در ژن‌های ما همانند رنگ چشم‌هایمان نفوذ کرده است.

مارتین لوتر، در تفسیر خود از رومیان، نوشت: «عبارت همه گرفتار گناه هستند» باید در مفهومی روحانی در نظر گرفته شود؛ یعنی، نه آنگونه که انسان‌ها در نظر خود و یا از نظر دیگران هستند، بلکه آنگونه که در برابر خدا می‌ایستند. آنها همگی تحت قیود گناه هستند، کسانی که در منظر انسانها آشکارا طغیان‌گرند و همچنین کسانی که از نظر خود و دیگران صالح جلوه مینمایند. کسانی که کارهای به ظاهر خوب انجام می‌دهند، آنها را از ترس مجازات و یا بخاطر کسب منفعت و شهرت طلبی، و یا بدلیل بهره بردن از مقصود و هدفی خاص، و نه براساس اشتیاق از روی عقل و خرد چنین میکنند. انسان بدین صورت مداوماً از روی تظاهر و صوری به کارهای خوب می‌پردازد، اما در باطن، کاملاً غرق در خواهشهای گناه آلود و شهوات شیطانی است که متضاد با اعمال نیک می‌باشند» - مارتین لوتر، بر گرفته از مرجع زیر:

Martin Luther, *Commentary on Romans*, p. 69.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۱ اکتبر آماده شوید.

قدرت خدا

«زیرا که از انجیل مسیح عار ندارم چونکه قوت خداست، برای نجات هر کس که ایمان آورد، اول یهود و پس یونانی، که در آن عدالت خدا مکشوف می‌شود، از ایمان تا ایمان، چنانکه مکتوب است که عادل به ایمان زیست خواهد نمود» (رومیان باب ۱ آیات ۱۶ و ۱۷). این آیات چه چیزی به شما می‌گویند؟ آیا شما وعده‌ها و امیدهای موجود در این آیات را تجربه کرده‌اید؟

چند کلمه کلیدی در این آیات وجود دارد:

۱- انجیل. این واژه ترجمه مستقیم از یک واژه یونانی به معنی «پیام خوب» یا «خبر خوش» می‌باشد. این واژه به تنهایی ممکن است به هر پیام خوبی اشاره داشته باشد؛ اما به این صورت که در اینجا با واژه «مسیح» آمده است، به معنای «خبر خوش در باره مسیح» است (*Christ* از واژه یونانی *Christos* نویسه‌گردانی شده است که به معنی «مسیح موعود» می‌باشد). خبر خوش این است که مسیح موعود آمده است و مردم با ایمان آوردن به او، می‌توانند نجات یابند. در عیسی و در عدالت بی نقص اوست - و نه در خودمان و یا حتی در احکام خدا - که انسان می‌تواند نجات پیدا کند.

۲- عدالت. این واژه به کیفیت با خدا «درست» و رو راست بودن اشاره دارد. معنای خاصی از این واژه در کتاب رومیان تعمیم یافته است، که در طی مطالعه کتاب آشکار می‌شود. باید اشاره کرد که در رومیان باب ۱ آیه ۱۷، این واژه با عبارت «از خدا» کامل می‌شود. این عدالتی است که از جانب خدا می‌آید، عدالتی که خدا خودش فراهم کرده است. همانطور که خواهیم دید، این عدالت به تنهایی و به خوبی کفایت میکند تا وعده حیات ابدی را برای ما محقق سازد.

۳- ایمان. کلماتی که در این آیه به صورت «باور» و «ایمان» ترجمه شده‌اند، در یونانی اشکال فعل و اسم یک واژه یکسان هستند: *pisteuo* (باور داشتن)، *pistis* (عقیده یا ایمان). معنای ایمان در ارتباط همانطور که به رستگاری مرتبط است در حینیکه در مطالعه کتاب رومیان به پیش می‌رویم، آشکار خواهد شد.

آیا شما تا به حال با مسئله تضمین و اطمینان در تقلا بوده اید؟ آیا زمان‌هایی وجود داشته که شما واقعاً به اینکه نجات خواهید یافت یا نه، یا اینکه حتی می‌توانید نجات پیدا کنید، شک داشته باشید؟ چه چیزی این ترس‌ها را به همراه دارد؟ بر پایه چه چیزی هستند؟ آیا ممکن است در واقعیت ریشه داشته باشند؟

یعنی، ممکن است شما نوعی شیوه زندگی داشته باشید که شهادت به ایمان شما را انکار می‌کند؟ اگر چنین است، چه انتخاب‌هایی باید بکنید که وعده‌ها و ضمانت‌هایی که برای شما در عیسی وجود دارند را داشته باشید؟

۱۶ اکتبر

دوشنبه

همه گناه کرده‌اند

رومیان باب ۳ آیه ۲۳ را بخوانید. چرا باور این پیام برای ما مسیحیان، امروز بسیار آسان است؟ در عین حال، چه چیزی باعث می‌شود که برخی به درستی این آیه شک کنند؟

بطور نسبتاً شگفت‌انگیزی، برخی از مردم در واقع ایده گناهکار بودن انسان را به چالش می‌کشند، با این استدلال که مردم اساساً خوب هستند. هر چند، این مشکل از عدم درکی درست از خوبی و خیریت حقیقی سرچشمه می‌گیرد. مردم می‌توانند خود را با شخص دیگری مقایسه کنند و احساس خوبی نسبت به خودشان داشته باشند. گذشته از هر چیز، همیشه می‌توانیم کسی بدتر از خودمان را برای مقایسه پیدا کنیم. اما این به سختی باعث می‌شود که ما خوب باشیم. زمانی که خودمان را نسبت به خدا و قدوسیت و عدالت او می‌سنجیم، همه ما بطور زیادی احساس از خود بی‌زاری و انزجار خواهیم داشت.

رومیان باب ۳ آیه ۲۳ نیز در مورد «جلال خدا» سخن می‌گوید. این عبارت به شیوه‌های مختلفی تفسیر شده است. شاید ساده‌ترین تفسیر این است که عبارتی که در اول قرن‌تین باب ۱۱ آیه ۷ آمده است را چنین معنی کنیم: «او (انسان) صورت و جلال خداست». در یونانی واژه معادل «جلال» ممکن است به عنوان یک معادل کلی واژه برای جلوه و «تصویر» در نظر گرفته شود. گناه به تصویر خدا در انسان‌ها خدشه وارد کرده است. انسان‌های گناهکار به مراتب کمتر منعکس‌کننده تصویر و یا جلال خدا هستند.

رومیان باب ۳ آیات ۱۰ تا ۱۸ را بخوانید. آیا امروزه چیزی تغییر کرده است؟ کدام یک از این‌ها بهتر شما را توصیف می‌کنند، و یا اگر مسیح در زندگی شما نبود، چگونه می‌بودید؟

هر چقدر هم که ما بد باشیم، وضعیت ما نا امیدکننده نیست. اولین گام این است که ما به گناهکاریِ مطلق خود و همچنین ناتوانیِ خودمان در انجام کاری اذعان کنیم.

این کار روح القدس است که چنین اعتقادی را به ارمغان بیاورد. اگر گناهکار در برابر او مقاومت نکند، روح القدس گناهکار را به پاره کردن نقاب دفاع از خود، تظاهر، و خود توجیهی و تسلیم خود به مسیح و درخواست رحمت او هدایت خواهد کرد. «ای خدا، به من گناهکار ترحم کن!» (لوقا باب ۱۸ آیه ۱۳).

آخرین باری که شما یک نگاه کاملاً سخت، سرد به انگیزه‌ها، اعمال و احساسات خود انداختید، چه زمانی بود؟ این می‌تواند یک تجربه بسیار ناراحت کننده باشد، اینطور نیست؟ تنها امید شما چیست؟

۱۷ اکتبر

سه شنبه

پیشرفت؟

در ابتدای قرن بیستم، مردم با این عقیده زندگی می‌کردند که بشریت در حال رشد و پیشرفت است، و اینکه اخلاقیات و معنویات رو به پیشرفت بود و این که علم و تکنولوژی زمینه یک مدینه فاضله را فراهم خواهد نمود. این باور وجود داشت که انسان‌ها، در اصل در مسیر کمال بودند. تصور می‌شد که انسان‌ها از طریق نوع درست آموزش و پرورش اخلاقی، تا حد زیادی قادر به بهبود خود و جامعه بودند. همه چیز قرار بود وقتی که وارد دنیای جدید متهور قرن بیستم شدیم، یکباره اتفاق بیفتند.

متأسفانه، همه چیز کاملاً آنگونه اتفاق نیفتاد، اینطور نیست؟ قرن بیستم یکی از خشونت بار ترین و وحشیانه ترین قرن‌ها در تمام تاریخ بود، -و چه مضحکانه است که ازدیاد پیشرفتهای علمی هر چه بیشتر باعث شد تا مردم امکان کشتن یکدیگر را در مقیاسی که دیوانه‌ترین افرادِ شرور گذشته حتی خوابش را هم نمی‌دیدند، میسر ساخت. مشکل چه بود؟

رومیان باب ۱ آیات ۲۲ تا ۳۲ را بخوانید. به چه شیوه‌هایی، آنچه را که در قرن اول نوشته شده بود، امروز در قرن بیست و یکم آشکار میسازد؟

ما ممکن است برای باور بسیاری از مسائل مربوط به مسیحیت به ایمان نیاز داشته باشیم: شامل رستاخیز مردگان، آمدن دوباره مسیح و یک آسمان و زمین جدید. اما چه کسی برای باور به ماهیت سقوط کرده بشریت، نیاز به ایمان دارد؟ امروز، هر یک از ما با عواقب آن ماهیت سقوط کرده زندگی می‌کنیم.

به طور خاص بر رومیان باب ۱ آیات ۲۲ و ۲۳ تمرکز کنید. چگونه این اصل در حال حاضر آشکار شده است؟ انسان‌ها با انکار خدا در قرن ما، روی به عبادت و پرستش چه چیز دیگری آورده‌اند؟ و با انجام این کار، چگونه تبدیل به افرادی احمق و نادان شده‌اند؟ پاسخ خود را در کلاس مطرح کنید.

۱۸ اکتبر

چهارشنبه

یهودیان و غیریهودیان چه وجه اشتراکی با هم دارند

پولس در باب ۱ رومیان، به طور خاص با گناهان غیریهودیان، کافرن، کسانی که خدا را خیلی وقت پیش از یاد برده بودند و در نتیجه، به انجام پست‌ترین کارها دست زده بودند، می‌پردازد.

اما او قرار نبود بگذارد قوم خودش، هموطنانش از دست بروند. با وجود تمام امتیاز هایی که به آنها داده شده بود (رومیان باب ۳ آیات ۱ و ۲)، آنها نیز در زمره گناهکاران قرار داشته و بواسطه احکام خدا محکوم شده بودند، و به فیض نجات دهنده مسیح نیاز داشتند. در این مفهوم یعنی مفهوم گناهکار بودن، نقض کردن احکام خدا و نیاز به فیض الهی برای نجات - یهودیان و غیریهودیان یکسان هستند.

رومیان باب ۲ آیات ۱ تا ۳ و ۱۷ تا ۲۴ را بخوانید. پولس در اینجا نسبت به چه چیزی هشدار می‌دهد؟ همه ما، یهودیان و غیر یهودیان، از این هشدار چه درسی باید بیاموزیم؟

«پس از اینکه رسولان نشان دادند که همه بت پرستان گناهکارند، او اکنون، به یک شیوه خاص و قاطعانه نشان می‌دهد که یهودیان نیز در گناه زندگی می‌کنند، بیشتر از همه به این دلیل که از ظاهر احکام پیروی می‌کنند، یعنی، بر طبق نوشته و نه بر اساس روح‌القدس.» - مارتین لوتر، بر گرفته شده از مرجع زیر:

Martin Luther, *Commentary on Romans*, p. 61.

اغلب در بیرون از گود نشستن و ایراد گیری از گناهان دیگران بسیار آسان است. اما هر چند وقت یکبار ما نیز گناهانی یکسان و یا حتی هم‌راتب بدتر مرتکب می‌شویم؟ مشکل این است که ما تمایل داریم چشمان خود را بر روی خطاهای خود ببندیم و یا با دیدن بدی دیگران در مقایسه با خودمان، احساس بهتری پیدا کنیم.

پولس هیچ کدام از این‌ها را نخواهد داشت. او به هموطنان خود هشدار می‌دهد

که در مورد غیریهودی تباران سریع قضاوت نکنند، زیرا آنها، یهودی تباران - حتی به عنوان قوم منتخب - گناهکار بودند. در برخی از موارد آنها حتی بیشتر از مشرکان گناهکار بودند، و به سرعت محکوم می‌شدند چرا که یهودیان بیشتر از غیریهودیان آگاهی و بینش دریافت کرده بودند.

منظور پولس از همه این چیزها این است که هیچ یک از ما صالح نیستیم، هیچ یک از ما مطابق با استاندارد الهی زندگی و رفتار نمی‌کنیم، هیچ یک از ما ذاتاً خوب یا مقدس نیستیم. یهودی یا غیریهودی، مرد یا زن، غنی یا فقیر، خدا ترس و یا منکر خدا، همه ما محکوم هستیم. و بدون لطف خدا که در انجیل آشکار شده است، هیچ امیدی برای ما وجود نمی‌داشت.

شما هر چند وقت یکبار، حتی تنها در ذهن خود، دیگران را برای چیزهایی که شما خود نیز بدلیل ارتکاب آن گناهکارید، محکوم می‌کنید؟ با در نظر گرفتن آنچه پولس در اینجا نوشته است، چگونه می‌توانید تغییر کنید؟

۱۹ اکتبر

پنجشنبه

انجیل و توبه

«یا آنکه دولت مهربانی و صبر و حلم او را ناچیز می‌شماری و نمی‌دانی که مهربانی خدا تو را به توبه می‌کشد؟» (رومیان باب ۲ آیه ۴). در اینجا چه پیامی در مورد مسئله کلی توبه برای ما وجود دارد؟

ما باید توجه داشته باشیم که خوبی خدا، گناهکاران را به توبه هدایت می‌کند و مجبور نمی‌کند. خدا هیچ اجباری به کار نمی‌برد. او بی‌نهایت صبور است و به دنبال جلب همه مردم با محبت خود می‌باشد. توبه اجباری هدف کلی توبه را از بین می‌برد، اینطور نیست؟ اگر خدا توبه را اجباری می‌کرد، آنوقت آیا همه نجات نمی‌یافتند، زیرا که چرا باید تنها برخی‌ها را مجبور به توبه می‌کرد؟ توبه باید یک عمل از روی اراده آزاد و پاسخی به کارهای روح القدس در زندگی ما باشد. آری، توبه هدیه ای از جانب خداست، اما ما باید آماده و مایل به دریافت آن باشیم، تصمیمی که تنها ما می‌توانیم برای خود بگیریم.

برای کسانی که در برابر محبت خدا مقاومت می‌کنند، حاضر به توبه نیستند و در نافرمانی باقی می‌مانند، چه اتفاقی می‌افتد؟ رومیان باب ۲ آیات ۵ تا ۱۰.

در رومیان باب ۲ آیات ۵ تا ۱۰، و اغلب در سراسر کتاب رومیان، پولس بر جایگاه کارهای خوب تأکید می‌کند. نجات از طریق ایمان بدون اعمال احکام هرگز نباید به این معنی تفسیر شود که کارهای خوب هیچ جایگاهی در زندگی مسیحی ندارند. برای مثال، در رومیان باب ۲ آیه ۷ چنین تشریح شده است که نجات به کسانی تعلق خواهد داشت که «با صبر در اعمال نیکو طالب جلال و اکرام و بقایند». اگر چه تلاش انسان نمی‌تواند نجات را به همراه بیاورد، با این حال بخشی از تجربه کلی نجات است. مشاهده اینکه چگونه هر کسی می‌تواند کتاب مقدس را بخواند و این ایده را پیدا کند که اعمال و کارها اصلاً مهم نیستند، دشوار است. توبه واقعی، نوعی که با میل و رغبت از قلب می‌آید، همیشه با عزم برای غلبه و دوری از چیزهایی همراه است که ما نیاز داریم از آن‌ها توبه کنیم.

هر چند وقت یکبار در حال و هوای توبه سیر میکنید؟ آیا صادقانه است، و یا تنها تمایل دارید خطاها، کاستی‌ها و گناهان خود را بشوئید؟ اگر گزینه دوم در نظر شماست، چگونه می‌توانید تغییر کنید؟ چرا باید تغییر کنید؟

۲۰ اکتبر

جمعه

تفکری فراتر: «بنابراین اصطلاحاتِ نگرش به کتاب مقدس نشان می‌دهند که گناه، یک فاجعه غافلگیرانه برای انسان‌ها نیست، بلکه نتیجه یک نگرش فعال و انتخاب انسان است. علاوه بر این، گناه فقدان خوبی نیست، بلکه کوتاهی و عدم انجام انتظارات خداست. این یک ضعف از سیر در مسیر شرارت است که انسان عمداً انتخاب کرده است. این یک ضعف نیست که انسان‌ها مسئول آن باشند، زیرا که انسان در نگرش یا عمل گناه‌آلود عمداً راه نافرمانی از خدا، در خطاکاری در برابر احکام او و ناتوانی در شنیدن کلام خدا را انتخاب می‌کند. گناه تلاش می‌کند فراتر از محدودیت‌های تعیین شده توسط خدا برود. به طور خلاصه، گناه نافرمانی در برابر خدا است.» – بر گرفته شده از مرجع زیر:

The Handbook of Seventh-day Adventist Theology (Hagerstown, Md.: Review and Herald Publishing Association, 2000), p. 239.

«تصویر وحشتناک وضعیت جهان در برابر من نشان داده شده است. شرارت و اعمال غیر اخلاقی در همه جا فراوان است. بی بند و باری، گناه خاص این عصر و زمانه است. گناه هرگز مانند امروز چنین خیره سرانه نبوده است. مردم بی حس و کرخت به نظر می‌رسند، و دوستداران فضیلت و خوبی حقیقی تقریباً توسط گستاخی، قدرت و شیوع آن دلسرد شده‌اند. شرارت و بی انصافی که به وفور یافت می‌شود، صرفاً به کافر و استهزا کننده محدود نمی‌شود. مسئله می‌توانست این باشد، اما این طور نیست. بسیاری از

مردان و زنانی که ادعای مسیحیت می‌کنند، خطاکار هستند. حتی کسانی که ادعای انتظار ظهور او را می‌کنند، بیشتر از شیطان آماده آن نیستند. آنها مدت زیادی در خدمت شهوات خود بودند که برای افکار ایشان ناخالص بودن و تصورات فاسد طبیعی می‌باشد.»
- الن جی. وایت، برگرفته شده از مرجع زیر:

Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 2, p. 346.

سوالاتی برای بحث

۱. شما به کسانی که با وجود همه اتفاقات، اصرار دارند که وضع بشریت در حال بهبود است، چه پاسخی می‌دهید؟ چه استدلالی برای آنها می‌آورید و چگونه به ایشان پاسخ می‌دهید؟

۲. به نقل قول از الن جی. وایت در مطالعه روز جمعه نگاه کنید. اگر خود را در آنجا می‌بینید، پاسخ چیست؟ چرا مهم است که در ناامیدی تسلیم نشویم، بلکه به درخواست خود از وعده‌های خدا ادامه دهیم - نخست، بخشش؛ دوم، تطهیر؟ چه کسی می‌خواهد شما یک بار برای همیشه بگویید، «فایده‌ای ندارد. من بیش از حد فاسد هستم. من هرگز قادر به نجات یافتن نیستم، بنابراین بهتر است تسلیم شوم»؟ آیا شما به او یا به عیسی گوش می‌دهید، که به ما می‌گوید، «من هم بر تو فتوا نمی‌دهم. برو دیگر گناه مکن»؟ یوحنا باب ۸ آیه ۱۱.

۳. چرا برای ما مسیحیان اساساً درک گناهکار و تباه بودن بشری اهمیت دارد؟ اگر ما این واقعیت غم‌انگیز اما حقیقی را نادیده بگیریم، چه اتفاقی ممکن است رخ دهد؟ یک درک نادرست از شرایط واقعی‌مان، ما را به چه اشتباهاتی گسیل خواهد داشت؟

۴. در مورد تعداد بیشماری از پروتستان‌ها که تصمیم گرفتند به جای رها کردن ایمان خود، بمیرند بیاندیشید. ما تا چه میزان در ایمان قوی هستیم؟ آیا به آن اندازه در ایمان قوی هستیم که برای آن بمیریم؟